

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D14SH8M ISSN-P: 2538-3701

بررسی جنایات ضد بشریت در حقوق بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

عطیه نعمتی

چکیده

جنایات علیه بشریت، جنایات توده واری هستند که علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب می یابند و آنچه که آنرا مخوف می سازد اینست که این جنایات توسط دولت و سایر سازمان هایی که دسترسی به قدرت سیاسی دارند طراحی می شود و فرد مرتکب به عنوان بخشی از حکومت مرتکب آن می شود جنایات علیه بشریت، مفهومی وسیع تر از ژنوسید دارد. در جنایات علیه بشریت، لازم نیست که یک گروه خاص مورد هدف قرار گیرد بلکه به طور کلی، یک جمعیت غیر نظامی شامل گروه های سیاسی و غیره ممکن است موضوع این جنایات واقع شود. همچنین برخلاف جنایت ژنوسید، در جنایات علیه بشریت، هدف مرتکب لزوماً از بین بردن گروه خاصی نیست، بلکه منظور اصلی او اذیت و آزار آنها است. از جمله جنایات علیه بشریت می توان قتل، به بردگی گرفتن، ریشه کن کردن، محبوس کردن، شکنجه، خشونت های جنسی، ناپدید کردن اجباری اشخاص، اعمال غیر انسانی مشابه را نام برد. هرکدام از این موارد در نظام های کیفری واجد وصف مجرمانه می باشد اما آنچه که چهره زشت تری به این اعمال می بخشد ارتکاب منظم آنها در پیشبرد سیاست یک دولت می باشد. یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد هر جمعیت غیر نظامی است که جنایات علیه بشریت نام می گیرد.

واژگان کلیدی: جنایات علیه بشریت، جنایات توده وار، حقوق کیفری بین المللی

۱۳۳



جنایات ضد بشریت در منابع متعددی تعریف شده است، از مهمترین اسنادی که تعریفی از جنایات ضد بشریت ارائه نموده اند اساسنامه دادگاه نورمبرگ، اساسنامه دادگاه توکیو، قانون شماره ۱۰ شورای کنترل، اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا (ماده ۳) و پیش نویس ۱۹۹۶ کمیسیون حقوق بین الملل در مورد «قواعد مربوط به جنایات ضد صلح و امنیت بشری» (ماده ۱۸) می باشند. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، در واقع، با توجه به این اسناد و همچنین آراء صادره از محاکم بین المللی تلاش نموده است تا تعریفی نسبتاً جامع از جنایات ضد بشریت ارائه نماید. دولتهای جهان در راستای تعهدات بین المللی خود وظیفه دارند اعمالی نظیر جنایات ضد بشریت را جرم شناخته و متهمان را مورد تعقیب و عندالاقضاء مورد مجازات قرار دهند. در همین راستا ماده ی ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بیان می دارد؛ منظور از «جرایم ضدبشریت» در این اساسنامه هر یک از اعمال مشروحه ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک تهاجم گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن ارتکاب می گردد ۱- قتل عمد ۲- ریشه کن کردن ۳- به بردگی گرفتن ۴- تبعید یا انتقال اجباری جمعیت ۵- حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که بر خلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود. ۶- شکنجه ۷- تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی با این موارد ۸- تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی به معنای مذکور در بند ۳ یا بر اساس سایر معیارهایی که بالاتفاق در حقوق بین الملل غیر مجاز شناخته شده است در ارتباط با هر عملی که در این بند به آن اشاره شده یا هر جرمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان است. ۹- ناپدید کردن اجباری اشخاص ۱۰- جرم تبعیض نژادی ۱۱- اعمال غیر انسانی مشابه دیگری که عمداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا تمامیت جسمی و روحی صورت پذیرد. حقوق بین المللی یکی از گرایش های حقوق کیفری و جرم شناسی و حقوق بین

المللی می باشد که به بررسی جرایم بین المللی، عناصر آنها، مسوولیت کیفری ونحوه مجازات عاملان این جرایم می پردازد. یکی از شنیع ترین جرایم بین المللی جنایات علیه بشریت است که با به وجود آمدن مباحث جدیدی چون حقوق کیفری، تاسیس دادگاههای کیفری بین المللی، الحاق تعداد زیادی از کشورها به اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی مطرح شده است. اهمیت بحث جنایات علیه بشریت این است که به عنوان جرایم مقدماتی و زمینه ساز جرایم علیه صلح و یا جنایات جنگی محسوب می شدند. در مورد اصل بشر دوستانه قدمت ۷۰۰۰ ساله دارد این مقررات در طول ایام گسترش یافته و نقض برخی از آنها جنایات علیه بشریت محسوب می شود این جنایات در ابتدا بخشی از جنایات جنگی را تشکیل می دادند اما بعد از گذشت سالها به وسیله معاهدات بین دولت ها، عرف بین المللی، اصول کلی حقوقی و نوشته های علمای حقوق مشخص تر شد. در مورد جنایات علیه بشریت این نکته حایز اهمیت است که این جنایات علیه انسانیت بوده و برخی اصول کلی را نقض می کند و موجب نگرانی جامعه بین المللی می شود این جرایم دارای موارد بی شماری است که در منشورها و اساس نامه های مختلف از آن نام برده است.

بخش اول: مبانی نظری (جنایات علیه بشریت)

طبق تعریف اساس نامه دیوان کیفری بین المللی، جنایات علیه بشریت، عبارت است از انجام هر یک از اعمال ذیل به طور گسترده یا سازمان یافته علیه گروهی غیرنظامی، مانند: قتل؛ نابودسازی؛ برده سازی؛ اخراج یا انتقال اجباری جمعیت؛ محبوس کردن یا دیگر اشکال محرومیت شدید از آزادی جسمی که نقض کننده مفاد اساسی حقوق بین الملل باشد چون شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده کشی جنسی، فحشاء اجباری، حاملگی اجباری، عقیم سازی اجباری، یا هر نوع خشونت جنسی دیگر در همان سطح. با مراجعه به قوانین داخلی ایران می توان دریافت که برخی از جنایات ضد بشریت نظیر قتل عمدی مورد جرم انگاری واقع شده است ولیکن جنایات دیگری همانند تبعیض نژادی را میتوان یافت که با وجود شنیعت عمل مورد جرم انگاری واقع نگردیده است.



بخش دوم: تاریخچه‌ی جنایت علیه بشریت

عبارت «جنایت علیه بشریت»، برای نخستین بار در سال ۱۹۱۵ وضع شد. فرانسه، انگلیس و روسیه این عبارت را برای اشاره به قتل عام ارمنه در ترکیه به کار بردند. اما قانون‌گذاری و تعریف آن در سال ۱۹۴۶ و در بند ج ماده‌ی ۶ منشور نورنبرگ صورت گرفت. این منشور، از «قتل عمد (یکی از انواع قتل)، نابودی، برده‌سازی، اخراج و سایر اقدامات غیرانسانی ارتکاب یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی، پیش از جنگ یا در حین آن؛ یا آزار افراد به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی، در ارتباط با هر جرمی که در صلاحیت محکمه قرار می‌گیرد، خواه نقض حقوق داخلی کشور محل وقوع محسوب شود یا خیر» صحبت می‌کند. بدین ترتیب، جنایت علیه بشریت تا قبل از جنگ جهانی دوم، مورد توجه و رسیدگی قرار نگرفته بود و برای نخستین بار در محاکمه‌ی نورنبرگ مورد بررسی قرار گرفت.

بخش سوم: بررسی جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

جنایت علیه بشریت، به موجب بند اول ماده‌ی ۷ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری، تنها مشتمل بر آن دسته از جنایات فهرست شده است که «به عنوان بخشی از حمله‌ای گسترده و نظام‌مند با هدف ضدیت نسبت به هر جمعیت غیرنظامی» ارتکاب می‌یابند. این عناصر در کنار یکدیگر، شرایط تحقق این جنایت را تشکیل می‌دهند.

۱. جمعیت غیرنظامی

جنایت علیه بشریت با هدف مقابله با جمعیت غیرنظامی تحقق می‌یابد. پس وقوع جنایتی هر چند غیرانسانی علیه یک فرد، موجب شکل‌گیری جنایت علیه بشریت نیست، درعین حال واژه‌ی جمعیت به این معنا نیست که کل جمعیت یک کشور یا سرزمین باید تحت تاثیر این حمله قرار بگیرد. در این جنایات، تابعیت مرتکب و تابعیت قربانی هیچ تاثیری در شکل‌گیری جرم ندارند. اما غیرنظامی به چه کسانی گفته می‌شود؟ چگونه می‌توان نظامیان را از غیرنظامیان تفکیک کرد؟ برای تشخیص اینکه شخصی عضو غیرنظامیان محسوب می‌شود یا خیر، باید نیاز وی را به حمایت در برابر کشور، ارتش و سایر نیروهای سازماندهی شده، ملاک

قرار داد. عامل تعیین کننده، موقعیت رسمی فرد، نظیر عضویت در نیروها یا واحدهای نظامی نیست، بلکه آنچه حائز اهمیت است، نقش واقعی او در هنگام ارتکاب این جنایت می‌باشد؛ بنابراین، اگر موقعیت و شغل فردی نظامی است، اما در شرایط وقوع جنایت سلاح خود را زمین گذاشته است و در درگیری‌ها سهمی ندارد، می‌تواند شخص غیرنظامی محسوب شود.

۲. حمله‌ی گسترده

حمله به معنی برخورد و رفتاری است که دربرگیرنده‌ی اقدامات خشونت‌بار است. این اقدامات شامل هرگونه بدرفتاری با جمعیت غیرنظامی می‌شود که متضمن مصادیق مختلفی است. واژه‌ی گسترده، به معنای تعرض به جمع کثیری از افراد است. معیار گسترده‌گی، عاملی کمی است که توسط تعداد قربانیان تعیین می‌شود. باید دقت داشته باشیم که حمله‌ی گسترده با حملات و جنایات سازمان یافته متفاوت است.

۳. عنصر سیاست

آیا ضرورت دارد که جنایت علیه بشریت بر اساس دلایل سیاسی رخ داده باشد؟ در حقوق بین‌الملل عرفی، هیچ صحبتی از عنصر سیاست برای محدود کردن جنایت علیه بشریت وجود ندارد و از محاکمات نورنبرگ تا به حال نیز، اغلب تعاریفی که از جنایت علیه بشریت ارائه شده‌اند، فاقد معیار سیاسی بوده‌اند.

۴. عنصر روانی

بند اول ماده‌ی ۷ اساسنامه‌ی دیوان بین‌المللی کیفری، مطابق حقوق بین‌الملل عرفی، صریحاً مقرر می‌کند که مرتکب باید «با علم» به حمله به جمعیت غیرنظامی اقدام کند. با وجود این، ضرورتی ندارد که مرتکب از جزئیات برنامه یا سیاست کشور یا سازمان مطلع باشد.

۵. عناصر مادی

موارد ذیل بیش از آنکه عنصر مادی این جرایم باشند، مصادیق آن محسوب می‌شوند. اصولاً برای تعریف عنصر مادی جرم، رفتاری کلی تعریف می‌شود و این قاضی است که باید تشخیص دهد، آیا رفتار رخ داده در یک واقعه‌ی خاص با این تعریف تطبیق دارد یا خیر. اما در



جنایت علیه بشریت، به دلیل محدود بودن موارد رخ داده، مصادیق آن عموماً مورد تعریف قرار می‌گیرند.

۶. خشونت جنسی

ارتکاب جنایات علیه بشریت از طریق خشونت جنسی به ترتیبی که در اساسنامه دیوان آمده در منشور نورمبرگ جای گیرد. جرم تجاوز جنسی پس از اینکه « سایر اقدامات غیرانسانی » قید نشده بود اما می‌توانست در عنوان کلی صریحاً در قانون شماره 1۰ شورای کنترل مطرح شد در اساسنامه های دیوانهای بین‌المللی کیفری رواندا و یوگسلاوی به عنوان یک جرم مستقل مورد شناسایی قرار گرفت. با وجود این، سایر اشکال خشونت جنسی در این اسناد نام برده نشده و تنها می‌توان آنها را به عنوان سایر جنایات علیه بشریت یا از طریق عنوان کلی سایر اقدامات غیرانسانی برشمرد. شق (ز) بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بی‌المللی کیفری با دسته بندی جنایات خشونت جنسی، گام مهمی در تبیین و توضیح اشکال مختلف خشونت جنسی برمی‌دارد.

۷. آپارتاید

شق (ی) بند اول ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به جنایت آپارتاید می‌پردازد.

آپارتاید در چند سند بین‌المللی به عنوان یک جنایت علیه بشریت توصیف شده است. بند (ب) ماده یک کنوانسیون عدم قابلیت اجرای محدودیت های قانونی نسبت به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به طور صریح، اعمال غیرانسانی ناشی از سیاست آپارتاید را تحت شمول جنایات علیه بشریت قرار می‌دهد. کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایات آپارتاید (کنوانسیون آپارتاید سازمان ملل متحد) مقرر می‌دارد که آپارتاید یک جنایت علیه بشریت است. این جرم، موضوع کنوانسیون های بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ است که در سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. در قسمتی از بند ۱ ماده ۱ این کنوانسیون آمده است: «کشورهای طرف این کنوانسیون اعلام می‌دارند که اصول و حقوق بین‌المللی و به خصوص مقاصد و اصول ملل متحد را نقض می‌کنند

و نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین المللی به شمار می آیند. در ماده ی ۲ این کنوانسیون هم مصادیق مختلف این جنایت را بیان گردیده است. مطابق ماده ی ۴ این کنوانسیون «کشورهای طرف قرارداد این کنوانسیون تعهد می نمایند: الف - تدابیر قانونی و یا تدابیر ضروری به منظور منع و همچنین جلوگیری از هرگونه تشویق جنایت آپارتاید و یا سیاستهای مشابه جدایی نژادی طلبی و یا مظاهر آن تصویب نمایند. ب - تصویب تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی برای تعقیب، محاکمه و مجازات افراد مسئول و یا متهم به اعمالی که در ماده ی ۱۲ این کنوانسیون تعریف گردیده است، بر طبق صلاحیت خود، خواه این افراد در قلمرو کشوری که در آنجا این کنوانسیون تعریف گردیده است، بر طبق صلاحیت خود، خواه این افراد در قلمرو کشوری که در آنجا این اعمال را مرتکب گردیده اند، سکنی داشته باشند با اتباع آن دولت و یا دولت دیگری بوده و یا فاقد تابعیت باشند.» (پورباقرانی، همان) همانگونه که مشاهده می گردد. این کنوانسیون همه ی اعضا از جمله دولت ایران را مکلف می کند که برای تعقیب و محاکمه مجرمین موضوع آن. همهی تدابیر قانونی، قضایی و اجرایی از جمله اتخاذ صلاحیت جهانی را به کار گیرند. ارتکاب اعمال غیر انسانی از نوع اعمال مذکور در بند ۱، از طریق یک رژیم نهادینه شده و ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر یک گروه یا گروههای نژادی دیگر و ارتکاب آن اعمال به قصد حفظ و نگهداری آن رژیم چنین جرمی به تنهایی در نظامهای حقوق داخلی پیش بینی نشده است و هیچ سند بین المللی هم برای جرم شناختن آن جز کنوانسیون های آپارتاید و نسل کشی وجود ندارد. نباید ناگفته گذاشت که اسناد و مدارک بین المللی دیگری نیز وجود دارند که رفتار تبعیض آمیز علیه اشخاص را منع کرده اند بدون آنکه مجازاتهایی را برای این کار تعیین کنند. واژه آپارتاید در زبان آفریقایی به معنی جدایی است که سابقه آن به سیاست جداسازی نژادی و تبعیض در افریقای جنوبی پس از سال 1948 باز می گردد و مشتمل بر یکی از شش عمل زیر با قصد و نیت تبعیض آمیز دانسته شده است:

۱. منع اعضای یک گروه نژادی از حق حیات و آزادی



۲. تحمیل شرایطی به گروههای نژادی به قصد نابود کردن آنها از لحاظ فیزیکی
۳. تصویب قوانینی به قصد بازداشتن گروه های نژادی از مشارکت در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور
۴. انجام اقداماتی جهت جداسازی نژادی جمعیت
۵. سوء استفاده از نیروی کار گروههای نژاد

برده‌سازی: واژه‌ی برده مفهومی سنتی را در ذهن ما تداعی می‌کند. مفهومی که در آن مرتکب با قربانی همچون کالا رفتار می‌کند. اما آنچه ذیل جنایت علیه بشریت قرار می‌گیرد؛ مفهومی متفاوت از نمود سنتی برده‌داری و تجارت برده است. امروزه معیارهای برده‌سازی شامل کنترل و مالکیت، تحدید یا کنترل آزادی عمل، آزادی انتخاب یا آزادی رفت‌وآمد یک فرد و جمع‌آوری عوایدی از این مسائل برای مرتکب این امر می‌شود. این کارها غالباً با تهدید یا توسل به زور یا سایر اشکال اجبار، همچون ترس از خشونت، فریبکاری یا خلف وعده، سوءاستفاده از قدرت، آسیب‌پذیری موقعیت قربانی، دستگیری یا اسارت، تعدی روانی یا شرایط اقتصادی-اجتماعی صورت می‌گیرند. به طور مثال در دیوان یوگسلاوی، در قضیه‌ی کوناراک، خوانندگان دو زن اسیر جوان را برای ماه‌ها در خانه‌ای متروک نگاه داشته و به طور کامل زندگی آنها را تحت کنترل خود گرفته بودند و در کنار سایر موارد، مکرراً آنها را مورد تجاوز قرار داده بودند.

کار اجباری: کار اجباری غالباً ذیل برده‌سازی قرار می‌گیرد، اما می‌تواند به صورت مجزا نیز جنایت تلقی شود. در دوران نازی و جنگ جهانی دوم، حدود هشت میلیون کارگر در رایش آلمان و سرزمین‌های اشغالی این کشور، اجباراً به کار واداشته شده بودند.

قاچاق اشخاص: از آغاز دهه‌ی ۱۹۹۰ و پس از انحلال پیمان ورشو، تجارت زنان در اروپا تحت عنوان بردگی سفید انجام می‌شود و باندهای گسترده‌ای به این تجارت سودآور اشتغال

دارند. قاچاق اشخاص به ویژه زنان و کودکان، نوعی برده‌سازی است که زنان و کودکان را به مثابه‌ی کالا به حساب می‌آورد و هر یک به عنوان منبع لذت، از قیمت معینی برخوردارند .

ناپدید کردن اجباری اشخاص: قسمت ۹ ماده‌ی ۷ (۲) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی «ناپدید کردن اشخاص» را به شرح زیر تعریف کرده است بازداشت یا حبس یا ربودن اشخاص توسط یک دولت یا سازمان سیاسی، یا با اجازه یا حمایت یا رضایت آنها و سپس امتناع از اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات از سرنوشت یا محل وجود آنان، با قصد دور کردن آنان از حمایت قانون برای مدت طولانی» جرم ناپدید کردن اجباری یک «جرم مرکب»، همچنین یک «جرم مستمر» می باشد.

اخراج یا انتقال اجباری جمعیت: انتقال یا اخراج اجباری، مجموعه‌ای از اقداماتی است که موجب می‌شوند تا افراد، بدون علت موجه بین المللی، از منطقه‌ای که به‌طور قانونی در آن حضور دارند، خارج شوند. انتقال اشخاص از سرزمینی به سرزمین دیگر، رفتاری است که در این جرم واقع می‌شود . تفاوت بین اخراج و انتقال اجباری جمعیت، تنها در معیار «مرز» است. اخراج به معنی انتقال از کشوری به کشور دیگر و عبور از مرزهای بین المللی است، در مقابل، انتقال اجباری به معنی انتقال از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر در سرزمینی مشخص است. در هر حال انتقال یا اخراج افراد، باید طبق حقوق بین الملل غیرمجاز شناخته شده باشد؛ به همین دلیل، اخراج یا هر اقدام اجباری دیگری به منظور حمایت از امنیت ملی یا بهداشت عمومی، مشمول تعریف این جنایت قرار نمی‌گیرد .

بخش چهارم: جنایت علیه بشریت در حقوق بین الملل عمومی

جنایات علیه بشریت در حقوق بی نالملل عمومی به اعمال قساوت باری اطلاق می شود که بر ضدانسان ها انجام می گیرد که این اعمال در قوانین بین الملل بالاترین جنایت قانونی در حق بشریت تلقی می شوند. معاهده رم توضیح می دهد، جنایات علیه بشریت شامل جنایاتی می شود که شان انسان را کاسته و مقام و منزلت انسانی را پایمال می کنند.



عنصر معنوی: از یک منظر ذهنی، آزار و اذیت مستلزم آن است که عناصر مادی این جرم با قصد و علم (ماده 3 اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری) ارتکاب یابد. حکم شق (ز) بند دوم ماده ۷ اساسنامه دیوان مبنی بر اینکه محرومیت از حقوق باید عمدی باشد، انحرافی از شروط کلی عنصر معنوی نیست. به علاوه، این جنایت باید به دلایل تبعیض آمیز، به طور خاص بر مبنای سیاسی، نژادی ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی و جنسیت به نحو مقرر در بند سوم صورت گرفته باشد که در سطح جهان طبق حقوق بین‌الملل غیرمجاز شناخته می‌شود. پس جنایت آزار و اذیت در اینجا با همه انواع دیگر جنایات علیه بشریت فرق می‌کند. مرتکب یا باید یک گروه اجتماع را مورد هدف قرار دهد یا به طور مشخص به فردی به دلیل عضویت او در این گروه و اجتماع حمله کند. در یکی از پرونده‌های اخیر به فردی به عنوان نماینده یک گروه حمله شده بود. بنابراین، همیشه در مورد مرتکب باید تبعیض علیه یک گروه یا اجتماع یا موجودیتی از این قبیل قابل تصور باشد. برای مرتکب کافی است که با یکی از انگیزه‌های فهرست شده، عمل کند. برای تحقق رکن روانی جنایات علیه بشریت نخست لازم است که مرتکب یکی از مصادیق گفته شده در بند ۱ ماده ۷ را با علم به وجود یک حمله گسترده و سازمان یافته نسبت به یک جمعیت غیرنظامی و در ضمن از روی اراده انجام گردد. اگر علم به وجود چنین حمله‌ی گسترده و سازمان یافته نسبت به آن جمعیت نداشته باشد، ولی مثلاً به دلیل اختلاف مالی، مرتکب قتل عمدی یکی از کسانی شود که منتسب به آن جمعیت اند، عمل او جنایت علیه بشریت نیست و صرفاً قتل عمدی عادی است. اگر علم هم داشته باشد ولی از روی اراده مرتکب چنین عملی شود یا در اثر شکنجه با اکراه چنین کند، باز هم جنایت علیه بشریت نسبت به متهم محقق نشده است. علم مرتکب (به حمله) بر اساس ضابطه نوعی ارزیابی می‌شود و می‌تواند از اوضاع و احوال واقعی هر قضیه استنباط شود. و لازم نیست که متهم دقیقاً از آنچه نسبت به قربانین جرم واقع می‌شود آگاهی داشته باشد. همچنین لازم نیست ثابت شود که متهم از خط مشی با برنامه مجرمانه آگاهی داشته است؛ بلکه کافی است که متهم عمداً خطری را که می‌تواند منجر به ارتکاب جرم گردد ایجاد کرده باشد، حتی با این امید که خطر به صدمه یا آسیب منتهی نخواهد شد. بنابراین،

شخصی که یک وظیفه سیاسی یا نظامی را داوطلبانه به عهده می‌گیرد و وظیفه خود را از طریق همکاری نوبتی با مبتکر طرح یا تشکیلات، و با مشارکت در عملی ساختن برنامه اجرا می‌کند. بدین طریق تلویحا شرایطی را که به احتمال زیاد وظایف همکاری و مشارکت وی در زمینه آن واقع خواهد شد را پذیرفته است. آگاهی لازم می‌تواند از یک سری وقایع عینی و ملموس استنباط شود که عبارتند از زمینه سیاسی یا تاریخی که جنایات واقع می‌شوند.

بخش پنجم: موارد استفاده

(۱) اولین استفاده

در 24 مه 1915 پس از نس لکشی آرامنه دول تهای متحد بریتانیا، فرانسه و روسیه مشترکاً موضوعی را مطرح کردند که برای اولین بار در آن در مورد جنایات علیه بشریت سخن گفته شده بود. (۳) درباره این جنایت تازه ترکیه بر علیه بشریت و شهروندان ارمنی، دولتهای متحد به صورتی عمومی به باب عالی دولت عثمانی اعلام می‌دارند که آنها شخصاً عهده دار مسئولیت این جنایت می‌باشند. افرادی که مورد خطاب ما می‌باشند شامل تمام اعضا دولت عثمانی بعلاوه آنهایی که پیشکاری بزرگان برای برپایی این کشتار را انجام می‌دادند، هستند.

(۲) دادگاه نورنبرگ

منشور لندن دادگاه نظامی بین الملل فرمان به این داد که قوانین و روندهایی که بعد از جنگ جهانی دوم در دادگاه نورنبرگ وضع گشته بود، دوباره به اجرا در بیاید منشور توضیحی داده بود که جنایت های متفقین اروپایی در جریان جنگ دوم جهانی، از این طریق قابل پیگیری می باشد. ماده ششم منشور تصریح می کند که دادگاه به این منظور برگزار شده بود که مرتکبین جنایات جنگی عمده در جنگ جهانی دوم را پیگیری و آنها را به سزای اعمالشان برساند. پاراگراف اول این ماده تعریفی از جنایات علیه صلح ارائه می دهد، بند دوم، نیز به تعریف جنایت جنگی می پردازد و بند سوم، به تعریف جنایات علیه بشریت اختصاص یافته است ارتکاب به کشتار، نابودی گروهی، به بندگی گرفتن، تبعید و دیگر



کارهای غیر بشری و خلاف هر گونه زندگی متمدن، قبل و یا در هنگام جنگ و یا آزار و کشتار سیاسی، نژادی و یا مذهبی و یا کشتارهای داخلی سیاسی و دولتی و خارجی از مردم همان کشور، مشمول قانون جنایت علیه بشریت شمرده می شوند. همچنین در دادگاه نظامی بین المللی درباره جنایات جنگی آلمانی ها اظهار شده: دادگاه نتوانست اظهارنامه ای کلی درباره عمل آلمانی ها قبل از سال 1939 ایجاد کند که همان کیفیت تعریف منشور را در رابطه با جنایت علیه بشریت را دارا باشد ولی از آغاز جنگ در سال 1939 که جنایات جنگی در سطحی بسیار گسترده اتفاق افتادند که این جنایات در جای خود جنایات علیه بشریت بودند، تا حدی که اعمال غیر انسانی در تنظیم ادعای آورده شده بودند و اعمال مجازات برای مرتکب شونده ها، بعد از جنگ صورت گرفت .

۳) سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد بعد از نگاشت منشور در سال 1948 به صورت مستقیم مسئول مجازات مرتکبین به جرمهای غیر بشری و جنایات علیه بشریت می باشد. سازمان ملل جایی است که شیوه های مدرن تعقیب قانونی که توسط معاهده رم ابداع شد (ICC) جرمهای فوق می بایست در آن پیگیری گردد. دادگاه بین المللی جنایت و حق قانونی رسیدگی به پرونده های جنایت علیه بشریت را بر عهده گرفت، سازمان ملل را موظف کرد که پس از این وظیفه بررسی این گونه مسائل را به این دادگاه ارجاع دهد زیرا سازمان ملل قدرت و اختیار قضایی رسیدگی به این پرونده ها را ندارد. پرونده اخیری که در این دادگاه مورد بررسی قرار گرفت به کشتار دارفور مربوط بود که در جریان رسیدگی به این پرونده عمر البشیر رئیس جمهور سودان به جرم نسل کشی مورد تعقیب قرار گرفت. البته رئیس وقت دادگاه، قاضی جوزف کیش در مورد دادگاه بین المللی جنایت اظهار می دارد: (۱۶) این دادگاه قدرت دستگیر کردن این افراد را ندارد. این مسئولیت آمریکا و دیگر کشورهاست که به این کار مبادرت کنند و بدون دستگیری این افراد، اینجا هم دادگاهی واقعی نخواهیم داشت سازمان ملل پس



از سال 2005 دیگر هیچ پرونده ای در رابطه با جنایات علیه بشریت را به دادگاه بین المللی جنایت، ارجاع نداده است .

۴) شورای امنیت ملی سازمان ملل متحد

وظیفه شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلوگیری از نسل کشی و حمایت شهروندان جهان از داشتن محیطی امن برای زندگی است که بنا بر مصوبه سال ۲۰۰۵ سازمان ملل بر عهده این زیر بخش از سازمان ملل گزارده شده است .

۵) اتحادیه اروپا

کمیسیون وزیران اتحادیه اروپا در ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ توصیه‌هایی را برای اعضا خود در رابطه با حمایت از زنان در برابر خشونت منتشر کرد که در بخش «معیارهای اضافه شده در رابطه با خشونت در موقعیت های کشمکش و بعد از کشمکش» تصریح میکند (بند ۶۹) که اعضا می بایست: هتک حرمت از زنان، برده داری جنسی، حاملگی اجباری، سترون سازی اجباری و یا دیگر شیوه های قهری جنسی که مغایر با حقوق بشر هستند را همانند جنایت علیه بشریت و اقدامات مسلحانه بر علیه انسان را مجازات کنند .

۶) ایران و جنایت علیه حقوق بشر

در ایران نیز لایحه مربوط به رسیدگی به جنایات بین المللی در دادگاه های ایران در مورخ ۶ بهمن ۸۷ در هیئت دولت به تصویب رسید. در این لایحه نحوه پیگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان و آمران جنایت جنگی و چگونگی تشکیل و ارجاع پرونده های مربوط به این نوع جرایم مشخص شده است. در سال 1391 خورشیدی، دادگاه ایران تریونال، حکومت جمهوری اسلامی ایران را به دلیل کشتار گسترده در دهه ۶۰ خورشیدی به جنایت علیه بشریت محکوم نمود. مجلس شورای اسلامی طرحی را با عنوان «طرح نحوه رسیدگی به شکایات جنایات نسل کشی و ضد بشریت و تعدیات ناشی از نژاد پرستی» در جلسه ی علنی روز یکشنبه ۱۳۸۱/۲/۲۹ به تصویب رساند. این طرح به دلیل مبهم تلقی شدن آن به وسیله شورای نگهبان به مجلس عودت داده شد و مجلس نیز با اصرار بر مصوبه قبلی خویش آن را به



مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاد؛ اما به علت وجود پاره ای از نارساییها، مجلس طرح مذکور را از مجمع پس گرفت و آن را مسکوت گذاشت.

ماده ۱ طرح مذکور، به قوه قضاییه اجازه می داد شعبه یا شعبی از دادگاههای عمومی را برای رسیدگی به شکایات مربوط به جنایات نسل کشی و تعدیات ناشی از نژادپرستی و ضد بشری اختصاص دهد. بر اساس تبصره ۲ ماده مذکور، متهمان موضوع این قانون بدون در نظر گرفتن محل ارتکاب، تابعیت، اقامتگاه و حضور آنان در دادگاههای مزبور محاکمه می شدند. ماده ۳. نسل کشی را دقیقاً به همان کیفیتی که در اسناد بین المللی آمده تعریف کرده بود و بالاخره طبق ماده ۵ متخلفان از این قانون، طبق قانون مجازات اسلامی باید مجازات می شدند. صرف نظر از دیگر اشکالاتی که در این طرح وجود داشت. مهمترین ایراد آن ارجاع مجازات جنایات موضوع این طرح به قانون مجازات اسلامی بود. زیرا اولاً، بعضی از مصادیق جنایات مذکور در طرح، مثل قتل و ایراد صدمه جسمی در قانون مجازات اسلامی فقط به عنوان یک جرم عادی، نه جنایتی بین المللی، مدنظر قانونگذار بوده است و مجازات کردن جنایات بین المللی به عنوان جرمی عادی انتظارات اسناد بین المللی را برآورده نمی کند. ثانیاً. ایراد اساسی تر این بود که بعضی از مصادیق جنایات مذکور، مثل قرار دادن عمدی اعضای گروه در وضعیت زندگی نامناسب یا جلوگیری از زاد و ولد در گروه و انتقال اجباری کودکان از گروهی به گروه دیگر، با توجه به کلیت و مصادیق گوناگونی که دارند، در قانون مجازات اسلامی معادلی ندارند؛ یعنی از قانون مجازات اسلامی مستندی برای مجازات آنها نمی توان یافت. چه، اگر در قانون مجازات اسلامی برای جنایات مذکور مجازاتی تعیین شده بود، دیگر طرح مذکور موضوعیتی نداشت.

نتیجه گیری

پیشرفت های بدست آمده در قلمرو علمی، صنعتی و فنی در سده حاضر به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم، به تدریج موجب تحول جامعه جهانی، ارزشها و امیدهای انسانها شده است. توسعه صوتی -تصویری رسانه های گروهی و نیز رشد شتابنده حمل و نقل به نوبه خود ارتباط میان کشورها و شهروندان آنها را آسان و سریع نموده، به میان آورده میشود. بی

تردید، یکی از ارزشهای مشترک صلح، آرامش و امنیت و بهره های ناشی از آن در جامعه جهانی است. برای کلیه شهروندان جهان، از هر نژاد و مذهب و ملیتی که باشند، برخورداری از یک زندگی توأم با آرامش و امنیت که شرط اولیه بقای آنها و نیز تحقق پیشرفتهای علمی و صنعتی است، ارزشی حیاتی محسوب می گردد. لیکن تجارب تلخ تاریخی، از جمله مخاصمات مسلحانه جهانی نیمه اول سده بیستم و به ویژه ادامه درگیریهای مسلحانه محلی و منطقه ای در چند دهه اخیر که دامنه آن به زمان حاضر نیز کشیده شده، صلح را به رؤیا و هدفی دست نیافتنی برای بشریت تبدیل کرده است. پاسداری از ارزشهای مشترک بشری قبل از هر چیز مستلزم وضع قواعد و مقررات لازم الاجرای بین المللی و سپس کوشش در جهت هموار کردن زمینه رعایت آنها توسط همه ملتها و دولتهاست. همانطور که یک دولت یا حکومت مبتنی بر قانون و حقوق، نزد افکار عمومی داخلی خود از مشروعیت و جاهت بیشتری بهره مند است. یک جامعه جهانی قانونمند و قانونگرا نیز بی تردید در نزد افکار عمومی جهانی مشروعیت بیشتری خواهد داشت و زمینه رشد، خلاقیت و تحقق آرمانهای بشری را هموارتر خواهد ساخت. کمیسیون حقوق بین الملل باید، علاوه بر تخصص و تجربه اعضای خود، از دانش حقوقی و تجربه سیاسی حقوق دانان، انجمن های علمی، دولتمردان و دیپلماتهای مسلح غیر عضو نیز به منظور غنی تر کردن و شتاب بخشیدن به کار خویش در زمینه قانون نویسی و تدوین مقررات به شریانهای خود تزریق کنند. جرم انگاری کلیه ی جنایات ضد بشریت، مخصوصا مواردی که برای آنها نمی توان در قوانین جزایی ایران معادل پیدا کرد. مانند جرم تبعیض نژادی که علیرغم ممنوع بودن آن از منظر اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین کنوانسیون های بین-المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید مصوب ۱۹۷۳ که در سال ۱۳۶۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و تنوع قومی گسترده در کشورمان هنوز در قوانین ایران مورد جرم انگاری قرار نگرفته است. یا موارد دیگری از جنایات ضد بشریت که در قوانین ایران جرم نمی باشد، مانند؛ تبعید یا انتقال اجباری جمعیت، حاملگی اجباری، تعقیب و آزار مداوم که بایستی ضمانت اجراهای کافی برای چنین رفتارهای ضد بشری در نظر گرفته شود.



منابع و مأخذ

۱. اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مصوب ۱۹۹۸.
۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد
۳. اردبیلی، حبیب زاده، محمد، (۱۳۸۵) نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران، فصلنامه ی مدرس علوم انسانی، ۳: ۲۶-۱
۴. بقائی، محمد، ۱۳۹۲، سیاست کیفری ایران در قبال جرایم بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)
۵. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱)، حقوق جزای بین الملل. تهران: انتشارات جنگل، صفحه ۳۰۷.
۶. ساک کیتی چایساری ک. ۱۳۸۷. حقوق کیفری بین المللی، ترجمه ح آقائی جنت مکان، تهران: انتشارات جنگل، صفحه ۴۴۵
۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸
۸. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۹. ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت ایران به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو مصوب ۱۳۲۴/۹/۳۰.
۱۰. علامه، غ، جنایات علیه بشریت در حقوق بین المللی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۵
۱۱. میرمحمد صادقی، ح، حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷

۱۲. بیک زاده، ا (۱۳۷۷)، بررسی جنایات نسل کشی و جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ و ۲۲.
۱۳. فلاحیان، ه (۱۳۸۸)، « پیامد های الحاق ایران به دیوان بین المللی از بعد جنایات مندرج در اساسنامه » مجله تحقیقات حقوقی شماره 35.
۱۴. فرانسویون، ژ (۱۳۶۵)، « جنایات جنگ و جنایات علیه بشریت»، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، مجله حقوق بین المللی، شماره ۷.

